

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۱۰۲

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

اخرون مذاکرات عالی در ۱۳۵۳

پنجشنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۱۳ - ۷ شعبان ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۱۵۱

قیمت اشتراك (سالانه) : ۱۰۰۰ ریال
داغنه : ۵۰۰ ریال
تنگ شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۱۳ (۷ شعبان ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|---|
| (۱) تصویب صورت مجلس | (۵) بقیه شور اول لایحه تعیین امین جبهه اول قهری |
| (۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای کفیل وزارت معارف | (۶) شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار وراثت |
| (۳) شور اول لایحه تعیین امین جبهه اول قهری | (۷) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
| (۴) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه | |

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۷ آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خیر)

تصویب شد . آقای کفیل وزارت معارف

۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای کفیل وزارت معارف

کفیل وزارت معارف - (آقای حکمت) البته آقایان

غایبندگان محترم بخوبی مسبوق هستند که بنده که بندگان اعلی حضرت

همایونی متوجه توسعه تعلیمات عالیّه و ترقی دانشکده ها

در این مملکت هستند و روی همین نظریه اوامر اکید صادر

میرمایند که نواقص دانشکده ها رفع شود (صحیح است)

و بهمین لحاظ قوانینی که در سنه ماضیه از مجلس

شورای ملی گذشت يك مقدماتی را برای وزارت معارف

ایجاد کرده که باید انجام بدهد . یکی از انجمله چیز ها

تکمیل دانش سرای عالی و دانشکده ها بوده است مخصوصاً

در رشته تعلیم و تربیت که يك علم بزرگی بوده است و

امروز پایه اش روی مبنای و مقررات ریاضی و اصول

مسلک علمی است و بهمین نظر بکثیر شخص دانشمندی

استخدام میشود از برای علوم تربیتی و تکمیل پایه

مواد در دانشکده ها و بنده افتخار دارم که لایحه استخدام

عین مذاکرات مشروح یکصد و هفتمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ از ماه ۱۳۰۵)

دایره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین بی اجازه - آقایان : دیر بهرامی - خواجوی - علوی - سبزواری - اردی - مرتضی قلیخان یات - دبستانی کرمانی
اعظم زنگنه - امامی خوئی - دکتر ادهم - صفری - اعتبار - یونس آقا و علیزاده - کورس - مدلل - هدایت - یوزهرتیب .
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر امیراعلم - امیرالراهمی - دهستانی - دکتر طاهری - مؤید قوامی - بقوانی - افغمی
استدیری - مسعودکاشی - ضهرای - پناهی - ارکانی - منصف - شریعت زاده - فراگزار - کاشف - دکتر بهرامی .

اورا تقدیم میکنم و برای دانشکده طب که از دانشکده های عالیه ما است و اسباب امیدواری از برای آتیه مملکت است که این دانشکده ترقی بکند همین لحاظ از برای تکمیل تشریح عملی که يك مرحله از مراحل تکمیل تحصیل طیبی برای محصلین است استخدام یک نفر معلم تشریح عملی لازم است که به همین طریق لایحه آن هم تقدیم میشود

۳ - شور اول لایحه تعیین امین برای ولی فیهری
رئیس - خیر کیسیون قوانین عدلیه راجع به ضم امین بولی اجباری :

لایحه نمره ۱۸۳۵۰ وزارت عدلیه راجع به انلاف مال صغیر یا مجنون یا سفیه از طرف ولی اجباری در کیسیون قوانین عدلیه مطرح پس از مذاکره در اطراف ماده پیشنهادی بالاخره عین ماده واحده برای شور اول تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت قرائت میشود :

نظر باینکه در قانون مدنی ماده مخصوصی وجود ندارد که بموجب آن بتوان تکلیف کسانی را که نسبت باموال مولی علیه که سمت ولی اجباری را دارند و در مقام تصبیح و تقریب اموال آنها بر آمده اند معین نمود لذا برای جلوگیری امر ماده واحده غیب پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود.

ماده واحده - ولی اجباری (پدر یا جد) هرگاه در مقام انلاف مال صغیر یا مجنون یا سفیه باشد بعد از ثبوت خیانت او نسبت باموال مولی علیه بطرفیت مدعی (العموم در محکمه مثل مورد ماده (۷۹) قانون مدنی حاکم بکنترل امین بولی منضم میکند.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا
طباطبائی دیبا - روز سه شنبه که اولین جلسه کیسیون قوانین عدلیه بود این لایحه در کیسیون مطرح شد متأسفانه آقای وزیر عدلیه بواسطه مصیبت وارده شنبت نتوانستند در کیسیون حاضر شوند این بود که اعضاء محترم

فکری بکنند و این لایحه اساساً هیچ اشکالی ندارد ولی يك چیزهایی هست که بنده عقیده ام این است که باید مذاکره و پیشنهاد شود در اطرافش که بعد اسباب زحمت نیاند اگر از برای صغیر يك اموالی از خارج رسیده باشد البته این لایحه يك مورد قدر متیقنش این بوده است که يك صغیری يك مالی فرض بقرمانند از مادرش یا از خارج برایش رسیده است یا پدرش مرده جد دارد از پدرش مالی مانده برای صغیر و جد این مال را در دست گرفته و مشغول انلافش است اینجا البته نمیتوان او را عزل کرد برای اینکه اینجا ولایت حقیقه يك منصب است که قبل عزل نیست مثل متولی منصوص اوقاف است چنانچه در قانون مدنی تصریح شده است که ضم امین میشود اگر يك متولی که منصوص است خیانت کرد نسبت بوقف آن وقت ضم امین میشود البته اینجا هم باید ضم امین بشود تا مال این شخص تلف نشود در اینجا هیچ اشکالی از این جهت نیست ولی در بعضی مواقع هم ممکن است که يك مواردی باشد که بنده نمیدانم این لایحه شامل آن موارد هم میشود یا نه مثلاً خیلی شنیده ایم و دیده ایم که پدری آمده است معقول هم هست تمام اموالش را باولادش صالح کرده است اینجا هم در صورت دارد يك صالح محاباتی است که غالباً شنیده ایم که فلان آدم مالش را صالح کرده است باولادش در مقابل يك سیر نسبت این صالح محاباتی است یکی هم این است که حقیقتاً صالح کرده است یعنی قیمت حقیقیش را گرفته است اولادش يك مالی داشته است و صغیر را هم ملاحظه کرده است آمده است يك پولی گرفته و این املاک را داده بصغیر و حالا دارد آن مال را تلف میکند در هر صورت حالا این لایحه شامل آن دو صورت هم میشود یا خیر که اگر پدر یا مادر مالش را صالح کرد صالح محاباتی یا صالح بقیمت حقیقی و آنوقت دارد انلاف میکند در اینجا هم آیا ضم امین خواهد شد یا محتمل است این لایحه بمواردی که قهراً به منضم میشود لهذا بنده عقیده ام این است که باید در اطراف این لایحه قهری صحبت کنیم تا اینکه آقای وزیر عدلیه هم تشریح

فکری بکنند و این لایحه اساساً هیچ اشکالی ندارد ولی يك چیزهایی هست که بنده عقیده ام این است که باید مذاکره و پیشنهاد شود در اطرافش که بعد اسباب زحمت نیاند اگر از برای صغیر يك اموالی از خارج رسیده باشد البته این لایحه يك مورد قدر متیقنش این بوده است که يك صغیری يك مالی فرض بقرمانند از مادرش یا از خارج برایش رسیده است یا پدرش مرده جد دارد از پدرش مالی مانده برای صغیر و جد این مال را در دست گرفته و مشغول انلافش است اینجا البته نمیتوان او را عزل کرد برای اینکه اینجا ولایت حقیقه يك منصب است که قبل عزل نیست مثل متولی منصوص اوقاف است چنانچه در قانون مدنی تصریح شده است که ضم امین میشود اگر يك متولی که منصوص است خیانت کرد نسبت بوقف آن وقت ضم امین میشود البته اینجا هم باید ضم امین بشود تا مال این شخص تلف نشود در اینجا هیچ اشکالی از این جهت نیست ولی در بعضی مواقع هم ممکن است که يك مواردی باشد که بنده نمیدانم این لایحه شامل آن موارد هم میشود یا نه مثلاً خیلی شنیده ایم و دیده ایم که پدری آمده است معقول هم هست تمام اموالش را باولادش صالح کرده است اینجا هم در صورت دارد يك صالح محاباتی است که غالباً شنیده ایم که فلان آدم مالش را صالح کرده است باولادش در مقابل يك سیر نسبت این صالح محاباتی است یکی هم این است که حقیقتاً صالح کرده است یعنی قیمت حقیقیش را گرفته است اولادش يك مالی داشته است و صغیر را هم ملاحظه کرده است آمده است يك پولی گرفته و این املاک را داده بصغیر و حالا دارد آن مال را تلف میکند در هر صورت حالا این لایحه شامل آن دو صورت هم میشود یا خیر که اگر پدر یا مادر مالش را صالح کرد صالح محاباتی یا صالح بقیمت حقیقی و آنوقت دارد انلاف میکند در اینجا هم آیا ضم امین خواهد شد یا محتمل است این لایحه بمواردی که قهراً به منضم میشود لهذا بنده عقیده ام این است که باید در اطراف این لایحه قهری صحبت کنیم تا اینکه آقای وزیر عدلیه هم تشریح

بیاورند و کاملاً در این لایحه ذمت شود که در عمل اسباب زحمت نشود یکی دیگر که در عمل اسباب زحمت میشود این است که بیرون مدعی العموم اطلاع میدهند با يك چیز های خصوصی که فلان شخص (پدر یا جد) دارد اموال صغیر را تلف میکنند آیا مدعی العموم فقط این اطلاع را که پیدا کرد اذعاناً منظم خواهد کرد و محکمه خواهد ارستاد یا اینکه خبر يك مرتبب خصوصی دارد اینها را باید مذاکره کنیم که بعد از تصویب اسباب زحمت مردم نشود.

مؤید احمدی - (خبر کیسیون) البته خاطر آقایان نمایندگان محترم و خاصه آقای دیبا متوجه این نکته است که بموجب قواعد کلی ما در نوابت و در قیودیت و در وصایت و در ولایت دو باب داریم يك جاهی است قبل عزل و نصب است مثل (متولی بجهل حاکم) حاکم شرع يك نفر را فرض کنید متولی قرار داده است برای يك مؤاوقه این متولی اگر خیانت کرد و مال وقف را تفریط نمود عزایش میکنند و دیگری را جعل میکنند (همینطور در قیوم) فرض بفرمایید يك شخصی وقت کرده است سفاری دارد حاکم آمده است برای او قیومی مین کرده این قیوم اگر چنانچه خیانت نمود منزلت است و فوراً دیگری را مین میکنند . يك باب دیگر داریم که قابل عزل نیست قابل تعویض نیست مثل متولی منصوص از طرف و اوقاف خود و اوقاف آمده است در نظر گرفته است و فلان زیدی را متولی کرده است برای يك وقف خاصی حالا این متولی آمد و خیانت کرد این را نمیشود عزل کرد و در این جا در ماده ۷۹ قانون مدنی تصریح و پیش بینی شده است که بآن ضم امین میکنند بکنترل امین حاکم معین میکند که آن متولی منصوص با نظر آن امین مال را به مصرف وقف برساند در قیوم هم باز همینطور است بکنتریه هشتم کم قیوم از طرف حاکم است و خیانت کرده عزایش میکنند يك مرتبه هم هست که خود آن شخص در حیات خودش زیدی را برای اولادش وصی کرده آهم در حکم همان متولی است

فقط يك چیز در قانون مدنی بنظر بنده فراموش شده بود و آن این است که يك ولي اجباری هم داریم و مثلا فرض بفرمایید يك طفل صغیری مادرش مرده است از او دارایی باقی رسیده است این پدرش ولي اجباری و قهری است یا پدرش مرده ارثی بهش رسیده است چنانچه زنده است آن ولي اجباری و قهری است در قانون مدنی راجع به این موضوع اشاره نشده است و قوانین دیگر هم ساکت است و غالباً چشم ندیده که اشخاصیکه ولي اجباری و قهری هستند در حال آن شخص صغیر تفریط کرده اند و تلف نموده اند آن مال را این را همزول که نمیشود کرد و اگر هم بگوییم که خیانت است و باید ضم اوین بشود هم اوین هم که در قانون تصریح نموده این است که دولت در نظر گرفته اند که مال وادیه ۲۹ قانون مدنی باین هم ضم اوین نمایند و بسیار نظر خوبی است برای حفظ اموال بهار (صحیح است) اما این نکته را که آقای دیبا فرمودند و خواستند فرقی بگذارند بین صاحب مجاباتی و صاحب موضوعه و مثلا پدری آمده و مالش را به مالعه کرده به پدرش و آن پدر صغیر هم به خودش هم ولایت قبول کرده سرپرستی آن مال را ایشان میخواهند فرقی بگذارند بین آنکه در مقابل بانک سیرتات بودم یا آنکه صلح کردم است در مقابل پولی با ماللی لیکن بنده عرض میکنم از حیث نظر اصول کلی چه فرقی است (اگر - هیچ فرقی ندارد) وقتی مال مال آن صغیر شد چه صلح مجاباتی باور شد و چه صلح موضوعه و چه هر صیغه که باشد همین حکم را دارد اگر تفریط و خیانت درش کرد باید ضم اوین بشود فرقی نمیکند که این مال را از صلح برده باشد یا از صلح برده باشد از هر چه که میخواهد برده باشد وقتی که این مال را صغیر مالک شد در حکم یکی میشود آنوقت آن ولي باوصی باوصی وقتی که خیانت کرد مطابق قانون باید ضم اوین باوصی و وصی شود فرقی گذاشت که چون این صلح مجاباتی بوده است هر تفریطی نخواهد بکند و آنجا چون صلح موضوعه نمیشود باید بکند این است که تکلیفش فرقی نمیکند بنظر بنده باید هر دو یکی باشد .

پایس - آقای رومی

روحی - عرض میکنم بنده بمنعراضی داشتم که خیلی مشروح بود و منتظر بودم آقای وزیر عدلیه تشریح داشته باشند و ایشان جواب بدهند و فعلاً بنظر بنده بکفایتی از این لایحه مشأه ولي اجباری است این لفظ اجباری در قانون بنظر بنده چیز خوبی نیست و اگر کلام قهری یا ظبی باشد بهتر است ولي اجباری موضوع ندارد بطور اجبار يك کسی ولي باشد آدم اجباری مسئولیت بعهده نمیکرد و دیگر اینکه خواستیم بکتاب دیگر را بطور کلی بمرض برسانم در مشأه قیومیت بطور کلی درغالب جاها رسیدگی باین عملیات نمیشود و اینها در مال صغیر خیلی تدبیرات و ترفیحات میکنند و رسیدگی بآنها کار مشکلی است و وزارت عدلیه باید واقفاً برای اینکار بکوشد خاصی تهیه کنند چون بنده نمی دانم پارکها از عهد بنده بتوانند برآیند یا نه ؟ ظاهراً نمیتوانند زیرا که غالباً تولیها را بنده شنیده ام که اموالدا بیت داده اند و مال صغیر را برده اند و صغیر را بریشان گذاشته اند حالا این دو سه رسیدگی میشود وقتی که او خورده و مرده و از بین رفته پس باید اینکارها موقع رسیدگی شود از قبیل نظر حق افراد این مملکت باید مدعی العموم ادعا نامه تنظیم کند و تعقیب نماید که حق مردم محفوظ بماند دیگر اینکه در این لایحه در مشأه قیومیت بگویند هر گاه مدعی العموم واقف و مطلع شد میتواند او را از نظر قانون تعقیب کند بنده عقیده داشتم که در این قانون بسیار اولیاء و کسان صغیر هم حق داده شود از قبیل عویش ، عماش ، خالاش ، پسر عویش ، پسر دائیش ، عیبتقدیر که آنها هم متوجه شدند حق داشته باشند مدعی العموم اطلاع دهند بنده عقیده دارم تنها به نظر مدعی العموم باشد زیرا او هزار کار دارد که ممکن است باین موضوع برسد بازسد بنابر این بهتر این است که نظر سایر کسان صغیر را هم داخل بدانند که آنها هم بتوانند عرضحال بدهند مدعی العموم برای حفظ مال صغیر و آنها هم البته وظیفه دارند که هر چه بتوانند اعانت کنند برای حفظ مال صغیر .

ولیر عدلیه - در قسمت اول فرمایش ایشان بنده واقف میکنم که ولي اجباری ولي قهری باشد در قسمت دوم هم

باخیلی سعی داریم که امور قیومیت بنحو خوبی اداره شود و برای اینکار هم بنده در نظر دارم که شبیه که حالا هم هست قندقی و بیشتر بکنیم که سریش بتواند کار کند و اول سهار را خارت کند در قسمت دوم هم لایحه نیست که اولیاء دیگر یعنی اقارب صغیر را هم موظف کنیم که اطلاع بدهند آنها هم باین اطلاع مدعی العموم هستند البته هر گاه از این راه هم مدعی العموم اطلاع پیدا کرد میتواند تعقیب بکند اعم از اینکه عموی صغیر اطلاع بدهد یا يك نفر اجنبی در هر صورت ذکرش در ماده لزومی ندارد .

- پایس - آقای اورنگ
- اورنگ - موافقم
- پایس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم بنده در قسمت ولي قهری عرضی ندارم ولي این قسمت را میخواستم عرض کنم و فقط عرض بنده راجع به این است که اگر فرضاً يك پدری اموالش را به طفل صغیر خودش صلح کرد البته این را آقایان تصدیق میکنند که نمیشود این پدر را که دارای يك اموالی است و بچاقور و طفل خودش صلح میکند حالا بهر جهتی از جهات هست او را سببه یا تلف بدانیم اینطور که نبودم يك اموالی جمع آورده کرده و به پسر خودش صلح کرده حالا بود يك پسر را برای او پیدا شده است که تلف شده ؟ چه عرض کنم ولي ما این کسی را که به موجب این قانون اموالش را صلح کرده است به پسرش محروم کنیم یعنی حق بدهیم که مدعی العموم یا دیگری بگوید آقای پدر تو که فرض بفرمایید يك تجارتمی میکنی کسی میکنی این يك امری است که موجب اتلاف مال است از این جهت بنده با این قسمت مخالفم و بنده تصور میکنم اصل نظر این لایحه یعنی آنچه از این لایحه و از مقصود این لایحه بنظر میرسد فقط نظر دولت این بوده است که در موردی که يك اموالی قهرماً بيك صغیری برسد پدر یا جد یا ولي قهری نتوانند آن اموال را تلف کنند واقفاً اگر آدم تلفی

باید چا و گبری کنند و نظر واقفان این بوده است که يك پدری که اموالش را بطفل خودش صلح کرد بعد حق نداده باشد در آن احوال و باخا که کند فردا که بیانش را بگیرند و بگویند آنها این کاری که تو کرده ای از روی بیعتی بوده است اصل اثبات مورد خیانت و اثبات اینکه کاری را که پدر کرده است خیانت بوده یا نبوده است و تشخیص آن مشکل است و نباید زحمت میکنند بنده با این لایحه موافقم باین شرط که اداره خود که فقط این قانون نظر باین است که اموالی از هر جا یا بطور ارث یا تربیت دیگری بصغیری برسد پدر یا جد یا ولي قهری او يك عملی بکند که موجب اتلاف باشد البته و داخل مدعی العموم هم به آن طوری که آقای روحی اظهار کردند یکی از کسانی که موجب است با اطلاع بدهد پارکها وارد بشوند ضروری ندارد و خوب است ولي در قسمت دوم عرض است و نباید زحمت میکنند و هیچ دلیلی هم ندارد و حتی خوردن هم خیلی اتقال افتاده است حالا يك کسی که بنده میخواهم اسمی را بیاورم از همکاران خودتان هم برده نام اموالش را هم صلح کرده با اولاد خودش خیلی خیلی هم آدم سلیم الناس دوستی بوده است از آقایان هم سؤال میکنید همه میکنند این صغیر يك ولي و يك قیومی میخواسته است و خودش قابل این نبوده است که این اموال و زندگی را اداره کند اما اینطور تولد زحمت کردن برای مردم موضوع ندارد البته این هیچ دلیل نداشته است مال خودش را تفریط کند مالش را صلح کرده است به صغیرش در حالی هم داخله دارد کارش را هم میکنند نظر دشمنی هم به بی بی بی ندارد مالش را هم میخواهد اتلاف کند ما برای این يك زحمتی نباید می کنیم و يك مدعی و پسرانیم و يك و ارثی را در دست بگیریم که ممکن میشود ما در آن طفل یا کسی دیگری او را بگیریم و يك زحمتی برای آن بیچاره صلح کنند فراموش کنیم بنده با این قسمت موافق نیستم .

- پایس - آقای اورنگ
- اورنگ - بنده وقتی که نام برده شدم خیال کردم

مذاکرات در اطراف موضوع بقدر کافی شده است و مقتضای امر عرض کردم و موافقت و همچو گمان میسر کرد که دیگر صحبتی در اطراف این موضوع نیست و واقعا تصور نمیکنم اینطور بیانی که آقای طهرانی فرمودند بشود عرض کنم بنا بر اعتقاد بنده ایشان ابتلاء پیدا نکرده اند به نظایر این واقعه. در ابتدای امر که گفته میسرودولی اجباری یا بقول آقایان ولی قهری انسان در ذهنش این مسئله وارد میسرود که خوب چه است یا بد است امرا با اجبار ولی است خودش دلشوز مال سرودولی خودش است چطور يك آدم اجنبی دلشوز نراز چه و يك آدم غریبه دلشوز تر از پدر میسرود این خیل ناشایسته است و دور از هر انصافی است این در ابتدای امر واقع میسرود بنده هم میسرود فکر میکنم ولی وقتی که يك قدری آدم با خلی الله اصلا كلك پیدا کرد شاید ذوقش بر میسرود و اینچنینها میسرودند و يك مسئله الان مبتلا به من است از طرف آقای وزیر عدلیه در يك مسئله مبتلا به بین يك پدر و پسری حکم داده ام شاید رایش را هم داده ام عرض کنم پدری هم در ورا این است حاضر است عرض میکنم در عبال دارد از يك عبال يك عده اولاد دارد از يك عبال يك عده اولاد دارد نسبت به عبال که میسرود دارد اولادش هم میسرودند آنها هم از خودشان دارائی دارند و نشان هم مطالبی آن قانونی که چندی قبل رای دادیم و رای دادید تا هیچدره سال حق معامله ندارند خانها بزرگی در طهران دارند برای خودشان يك اطلسان کافی است اگر اجاره بدهند نان دارند شب بخورند ولی اجباری پدر است هیچ موافقت نمیکنند که خانه اجاره برود آنها شب گدالی میسرودند و خانه شان صد تومان اجاره دارد این کار را خوب آقایان جمع بشوند اصلاح کنند پس این است که حضرت آقای طهرانی با يك اغراض مختلفه با يك مبانی متناقضی ممکن است ولی اجباری دلشوزی نکند و بهر عنوانی از عنوان مالی که متعلق به فرزند اگر قصد من حفظ مال است صد نامین بین ضم بشود. من که قصدی ندارم جز حفظ يك مالی. اگر قصد دارم بخورم آنوقت ما چه زعمی میکنم رای این

چنانچه حتی برای شان قائم بشود بهتر است و البته در آن ماده که معین میشود بکطورى باشد که با اصطلاح حد نصاب قلم بشویم تا باشد تومان چند هزار تومان چند که افراط کاریهم نشده باشد این بود نظر بنده و که خواستم اینجا تذکر بدهم ولی راجع باصلن لایحه بنده موافقت و همانطور بلکه آقای اورنگ فرمودند بهترین قوانین است و يك تازی هم در ضمن دارد که بندها کسی با این فکر نمیکنند که بیعیض کند و مالش را صلح بکند يك اولادش که خیلی علاقه دارد و این بعقیده بنده يك امر برخلاف قاعده و طبیعت است و هیچ خوب نیست حالا وقتی دهد اگر صلح کرد ممکن است ضم امین بشود و مداخله کنند دیگر از آن هوی و هوس که اشاره فرمودند نمایان يك دست و قوت از دست دیگر صرف نظر میکند و این لایحه بسیار خوب و لایحه مفیدی است و بنده این تذکر را دادم که شاید مورد توجه واقع بشود.

رئیس - آقای میرزائی
میرزائی - موافقت
رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده تصور میکنم راجع به قیّم تذکری که آقای ملک مدنی فرمودند عملاً کویا اینطور معمول است که صدی چهار یا صدی پنج از عایدی آن صغیر بآن قیّم داده میشود و حالا کویا اینطور است ولی چیزی که میخواستم به آقای وزیر عدلیه تذکر بدهم این است اینجا میسرود: اگر در مقام اتلاف مال صغیر یا بخون با سفیه باشد بعد از ثبوت خیانت او نسبت باموال مولی علیه بطرفیت مدعی - العموم در محکمه مثل مورد ماده ۲۹ قانون مدنی حاکم يك نفر امین به ولی منتظم میکند. ضم امین میشود خوب آن مال تلف شده چه صورتی پیدا میکنند خواستیم بنده عرض کنم که وقتی مال مولی علیه را فروخت بعد فقط کاری که میکنند ضم امین میکنند ولی بعقیده بنده باید در این قانون نوشته شود که آن معامله ای که شده است و مال صغیر هم تلف شده جبران بشود دیگر چیزی ندارد که ضم امین میکنند تکلیف این هم باید معلوم بشود این تذکر بنده بود

۴ - تقدیم دوفقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه |
وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم خیلی مذاکره نداشته باشد ولی حالا که محتاج شد به مذاکره این قضیه را مختصراً بنده توضیح عرض میکنم. اما اینکه قبلاً از طرف یکی از آقایان اظهار شد که پدر است یا جد است و نباید در کارش مداخله کرد بنده عقیده ام این است که قیّم و امت دولت بر افراد بالا تر از همه اینها است باید همه جا عداوت را حفظ کنیم اگر چه پدر یا جد بشوهند در اموال صغیر دخالت نکنند و حیف و میل هم نکنند و اما آن قسمت را که آقای عراقی تذکر دادند این با ضم امین درست میشود چون قبل از ضم امین کسی حق ندارد بر ولی اقدام دعوی کند. ولی است نمیتواند مدعی علیه دعوی واقع بشود خود او همیشه میتواند از طرف صغیر مدعی واقع بشود ولی ضم امین که شد او رسیدگی میکند اگر مالی را تلف کرده است میتواند بعنوان خسارت از او مطالبه میکنند اگر مثلاً تلف است که او را تعقیب میسرودند یا لامعاله عوضش را میسرودند اگر غیر تلف است ملکش فروش رفته است که پولش حیف و میل نشده پولش را میسرودند اگر صلاح میدانند امضا میکنند پولش را میسرودند اگر چنانچه معامله را صحیح میدانند در محکمه اقدام دعوی میکند و در محکمه اثبات میکند که این معامله بر ضرر صغیر بوده معامله فاسد است اینها راه دارد و مطابق قوانین عمومی معامله میشود. بنده بکفداری لوایح زیاد دارم خدمت آقایان عرض میکنم امروز دو لایحه دارم يك قسمت راجع است به جلد دوم قانون مدنی که یکی از قوانین مهمه ما است و چند سال هم هست که همینطور مانده است راجع است باحوالات شخصییه بنظر بنده آمد قسمت هائی که در کبسیون عدلیه تهیه میشود قسمت قسمت بنده تقدیم کنم یعنی همانطورى که در آجا رسیدگی میشود قسمت قسمت و راپرت داده میشود در اینجا تحت نظر آقایان واقع شود و بتصویب برسد یکی هم قانون اعسار و افلاس است که در آن يك نواقصی در عمل مشاهده شده است که بطور ماده مکرر و اصلاح نیست يك قانون کلی است و بعقیده بنده قانون هر چه جامع

باشد و هی حواله بایشجا و آنجا نشود بهتر است برای مردم و محاکم هر دو بهتر است این دو لایحه را بنده تقدیم میکنم و غیر از این هم لرایح زیاد تقدیم خواهم کرد و چیزی که هست استدعا دارم از آقایان در اموری که خبلی بین است بقدر لزوم صحبت بشود که کارها از پیش برود چون لرایح زیاد دارم.

(۵- بقیه شوراول لایحه تعیین امین برای ولی قهری)

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - مواظم

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم آقای اورنگ این طوری که فرمودند گویا نوجهی به عراض بنده نداشتند بنده با لایحه مخالفی ندارم عرض کردم خبلی خوب است فقط آنچه را که بنده توجه داشتم این بود که اگر پدری مالش را به صغیرش صلح کرد این قانون شامل او نشود یعنی نیائیم بقیه او را بگیریم بگوئیم آقا تو خیانت کردی با مادر این صغیر صغیر را گول بزندی و در نتیجه میانه پسر و پدر بهم بخورد پدر را بزحمت بیندازند يك کسی که بطبیعت خودش مالش را به پسرش صلح کرده و بعد مادر بچه با او طرف بشود و صغیر را گول بزندی و فریب بدهد و به پدر بگویند کارهای تو بی مورد است و خیانت کرده ای حق نداری در این مال دخالت کنی بنده نظرم این بود و خود قانون هم ناظر باین است که اگر ولی قهری خیانت کرد ضم امین بشود و شما ولی را تعمیم میدهند تا آنجا که اگر پدری ملکش را به پسرش صلح کرد و خواست معامله بکند و دخالت بکند نتواند بگیریم خیانت است و جلوش را بگیریم ۱۱

مخبر - آقای طهرانی در کمیسیون هم این فرمایشات را عینا فرمودند و الا میفرمایند شما میخواهید ولی را تعمیم بدهید ما نمیخواهیم ولی تعمیم دارد و تشبیه ولی قهری شد این عمومیت دارد در اجماع با اموال مولی علیه ما نمیخواهیم تعمیمش بکنیم میفرمایند مصالحه کرده است خودش هم قبول کرده است البته خودش قبول کرد لابد اداره آنرا خوب اموال وقتی که مال صغیر

هیچ قانونی عطف بما سبق نمیشود (عطف نمیشود و الا تمام مردم را گرفتار میکند.

مخبر - اگر آقایان نوجهی بقانون مدنی بفرمایند تمام اینها بطور کلی تکلیفش همین شده و ذکر شده است اگر تجارت کرد و ضرر کرد که این اصلاح مشمول این قانون نیست و دبروز هم در کمیسیون عینا آن مواد را قرائت کرده اگر چنانچه اطلاق و تلف کنند مال را آنوقت مدعی العموم میآید در محکمه و اقامه دعوی میکند بعد از آنکه اثبات شد که این دارد اقراط و تفریط در مال صغیر میکند ضم امین میکند ولی البته اگر زراعت کرد و آفت رسید تقصیری ندارد اگر تجارت کرد و ضرر کرد تقصیری ندارد.

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاداتی که رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای روحی:

پیشنهاد میکنم که جمله ولی اجباری در این قانون تبدیل شود بولی قهری.

پیشنهاد آقای انسر

پیشنهاد میکنم ولی اجباری ولی قهری نوشته شود.

رئیس - آقایانی که برود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد.

۶- شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار وراثت |

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به تهیه در امور انحصار وراثت مطرح است:

خبر کمیسیون

لایحه نمره ۱۳۴۴۸ وزارت عدلیه راجع باصلاح و اضافه دو ماده بقانون تصدیق انحصار وراثت در کمیسیون قوانین عدلیه مورد شور و مطالعه قرار گرفته بالاخره برای شور اول عین ماده پیشنهادی دولت تصویب و علی هذا رایبورت آن را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم نمیدارد.

رئیس - عین ماده واحد پیشنهادی دولت قرائت میشود:

ماده واحده - در ماده ذیل بعنوان ماده ۱۳ و ماده ۱۴ بقانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۹ اضافه میشود:

ماده ۱۳ - امین صلح با حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام میدهد باید عندالاقضا اشخاصی را که مستدعی یا مستدعیان تصدیق انحصار وراثت برای اثبات ادعای خود بشهادت آنها استناد مینماید احضار کرده و شهادت آنها را استماع کند اگرچه استشهادنامه ایکه به تقاضای مستدعی یا مستدعیان تهیه میشود دارای امضاء شهرد مزبور بوده باشد.

در تصدیق انحصار وراثت امین صلح با حاکم بدایت باید نسبتی را که مستدعی یا مستدعیان تصدیق با مورث خود دارند و همچنین میزان سهم الارث آنها را از متروکات بنحو اشاعه معین نماید

ماده ۱۴ - هرگاه تقاضای تصدیق انحصار وراثت برای تقدیم اظهارنامه ثبت املاک و یا بطور کلی مربوط به امور مذکور در ماده ۷ بعمل آید تقاضا کننده باید تصدیقی از اداره ثبت مقرر بر لزوم اثبات انحصار وراثت تحصیل کرده و تقاضانامه خود ضمیمه نماید.

در اینصورت امین صلح با حاکم بدایت اعلان مذکور در ماده ۳ را با اداره ثبت محل ارسال میدارد تاچیزه اعلانات ثبت منتشر شده و مخارج اعلان نیز مثل اعلانات ثبت محسوب گردد.

در مورد این ماده فقط نصف مخارج مذکور در ماده ۸ اخذ خواهد شد

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - موقعی که آقای وزیر عدلیه این لایحه را تقدیم مجلس کردند فرمودند لایحه ایست راجع بانحصار وراثت و ارفاقی است که شده است بنده واقف این است که هر چه مطالبه کردم در این لایحه ارفاقی ندیدم جز در مسئله ماده چهاردهم که نسبت به مخارج يك ارفاقی شده است ولی در اساس این لایحه بنده عقیده ام این است که يك فکر صحیحی باید کرد که حقیقه اوقاتی

باشد برای مردم نه زحمت. آقایان البته اطلاع دارند موقفی که مسئله قانون انحصار وراثت از مجلس میگذشت حقیقت آن چه سبب شده بود برای دولت که قانون مزبور را تقدیم مجلس کند و تصویب هم شد اصل اساس این بود که بعضی ها يك پول معتبی در بانک ها یا نزد اشخاص داشتند و پس از وفات شان آنها میخواستند پول را رد کنند بورثه و رفع مسئولیت از خودشان بکنند و انحصار وراثت را میخواستند و اشخاص هم مجبور بودند و میرفتند به ادارات رسمی و برای انحصار وراثت شان يك استشهادی می آوردند از يك عده اشخاصی و آن بانک یا سراف یا شخص پول آنها را رد میکرد. اصل اساس این بود بعد دولت مجبور شد برای این موضوع يك قانونی تقدیم مجلس کند و قانون انحصار وراثت را آورد ولی در عمل آنچه ما دیدیم و در بعضی مواقع خیلی اسباب زحمت مردم شد مثلاً يك اشخاصی وفات میکنند ورثه هم دارند ورثه میآیند و لایحه انحصار وراثت میدهند و مدعی معطل میشوند نمیتوانند در اموال شان دخالت کنند و تصرفاتی بکنند تا مدتی بعد بهشان تصدیق داده میشود و البته این مسئله که باید انحصار وراثت باشد خیلی صحیح و اساسی و لازم و در خیلی از موارد هم هیچ اشکالی ندارد ولی این که در ضمن این لایحه ذکر شده است که این شهود باید بیابند و در محکمه شهادت بدهند این اسباب زحمت و بلکه در بعضی از موارد اصلاً هیچ ممکن نیست عملی نسبت مثلاً بکنتر می خواهد برای انحصار وراثت با برای ثبت املاکش بیاید و لایحه انحصار وراثت بدهد و این امر را ثابت کند بسیار خوب شهود این کجاست و ملکش کجا؟ فرض بفرمائید ملك در طهران است ولی این شخص معروفیتش در اصفهان یا در تبریز یا در شیراز است شهود او هم آنجا هستند میرود و از معروفین محل يك استشهادی می آورد آنوقت مراجع رسمی هم که هویت آن اشخاصی را که شهادت داده اند تصدیق میکند اگر تصدیق مراجع رسمی معتبر است هیچ فرقی ندارد که شاهد خودش بیاید در محکمه و شهادت بدهد یا در محل شهادت خود را نوشته و از طرف مقامات

رسمی هويت او تصدیق بشود. ولی با این ترتیب که اینجا معین شده است که شهود را احضار کنند عرس کردم در موردی که مثلا ملك در طهران است و شاهد در شیراز است باید کرمان است یا در اصفهان است باید اورا هم احضار کنند اولاً احضار اورا قبل احضار شهود چنجه یا جنابین است که آنها را جلب میکنند مأمورین؟ اگر اینطور است خوب خرج شان را کی میدهد؟ والا بمنظور که میشود پس لافان خرجش را بعهده آن کسی بگذارند که تقاضای ثبت را کرده است باید يك ترتیب صحیحی برای این کار بدهند و الا همین طوری اگر شهود را بخواهند بیآورند اساساً نمی آیند و شهادت هم نمیدهند فلان کس در فلان محل وقتی که فهمید پس از شهادت اورا جلب خواهند کرد بمرکز که بیاید شهادت بدهد اصلاً شهادت نمیدهد و این خیلی اسباب زحمت مردم میشود این بود که در جلسه گذشته در کمیسیون عدلیه مذاکره شد و البته باید در اطراف این لایحه بیشتر مذاکره بشود که اقلاً اگر بنا باشد شهود را بیآورند در محکمه راجع به مخارج شهود و فریب آوردن شان يك تسهیلاتی قائل بشوند.

وزیر عدلیه - این جا آقای دیبا فرمودند که هیچ از فانی در این لایحه ندیدند بنده تصور میکنم قانون هم اش بعضی قسمتهایش تسهیل است، اگر چه زیاد میشود قانون ولی همه اش جنبه تسهیلی دارد يك قسمت برای محاکم و يك قسمت برای مردم ولی حقیقتاً از فانی اگر بخواهد بیاید که هیچ قانون نداشته باشیم (خنده نمایندگان) عرض میشود مسئله شهود که فرمودید این جا در ماده دارد عند الاقضاء و این نید در آینده برای این گذاشته شده است که محاکم عدلیه باید استشهاد عیناً اعلام بگردند و مثل مبلغ حرف بکنند مستدعی تصدیق بوده و فقط جنبه تبلیغی داشت که این آدم تقاضا کرده است از محکمه تصدیق انحصار وراثت را، یا این چند نفر، و همانرا اعلام میکردند و بعد اشخاص هم خبر نمیدادند و يك تصدیق و بجائی داده میشد اینجا قید شد که عند الاقضاء اقلاً شهود را بخواهند دیگر اینجا بست است بنظر محکمه اگر شهود را خیلی مضرب و معروف یافت که لزومی ندارد احضارشان

اگر فرضاً در اصفهان یا شیراز بودند که احضارشان منصر و مشکل بود یعنی مقضی ندید و با قاپانیکه اینجا هستند و شهود را میباشند بدهد و تصدیق میکند خط و مهر و امضای شهود را ولی اگر مقضی دانست که شهود را بخواهد یعنی محکمه تحقیق کند از شهود انحصار وراثت را این اشخاص را نه اینکه فقط مبلغ حرف آن ها باشد بوسیله اعلان بین مردم منظور همین بود و دیگر فرمایشی گویا نداشتند غیر از مسئله شهود.

رئیس - آقای انسر

انسر - عراجتی که داشتم چون آقایان نظرشان این است که کافی است بنده هم فقط قسمت راجع باخراماده سیزدهم عرض میکنم - پلی بمنظور که فرمودند در ماده عند الاقضاء است البته این عبارت صحیح است ایسکن خاطرشان مطلع است از جریان موضوع که چند اسباب زحمت خواهد شد در عمل و از ترتیباتی که امروز معمول است مطلع میباشند ملاحظه فرمائید که بعد چند اسباب زحمت میشود بلکه بعقیده بنده اصلاً دیگر کسی شهادت نمیدهد (صحیح است) و يك گرفتاری جدیدی از برای مردم تولید میشود محکمه اینجا و استیناف آنجا همه دچار زحمت میشوند مردم هم گرفتار میشوند مثلاً از مازندران بیایند بیروند کرمان شهادت بدهند. از بلوچستان بیروند آذربایجان شهادت انحصار وراثت بدهند - احضار شهود در صورتیکه شما برای تصدیق امضاء اشخاصی را دارید در همه جا مأمورین ثبت اسناد دارید، عدلیه در همه جا دارید در خارجه قونسولها و وزیر مختارها هستند دیگر لزومی ندارد، اگر تصدیق امضای بنده را یکی از اینها بکنند رسمی کردند دیگر چه فرق میکند که خود بنده را هم احضار کنید این اسباب زحمت می شود بالاخره همه اینها مأمورین رسمی و مراجع رسمی هستند تصدیق که کردند کافی است، الان این قضیه در مقابل چشم همه است در محکمه چنجه مثلاً شما از اینجا رد شدید یکی به دیگری نقش داده است و آنوقت آمدرا احضار بکنند که شما بودید و دیدید یا شهادت بدهید حالا دیگر وقتی دو نفر با هم دعوائی کنند شما اصلاً نگاه نمی کنید با احتیاط اینکه گرفتار جلب نشوید. آخر این اسباب زحمت است آخر از بیم فرمایش

کرمان او انحصار وراثت میدهد و ملك در آذربایجان است و این احضار شهود قابل اجرا نیست. بعقیده بنده این که فرمودید بمجرد ارائه يك تصدیق که مبلغ حرفه او میشود نباید باشد این صحیح است ولی اینرا يك قدری محکمترش بکنید یعنی تصدیق هويت آنها یا تصدیق خط و مهر و امضای آنها در حضور ثبت اسناد یا نمایندگان خارجه یا یکجای رسمی هر کجاست که صلاحیت میداند تصدیق صحت امضا و خط و شرح شهادت شهود را بکنند که آیا قابل قبولند یا نه و آیا صحیح است یا نه و این احضارش بنقاط دور دست لزومی ندارد شهادتی است داده است همینجا هم رسیدگی و تصدیق شود پس اینها را يك چوری بفرمائید که اسباب زحمت مردم نشود و تسهیل بشود ولی اگر بهمین لغت عند الاقضاء اکتفا کنیم گمان میکنم که اسباب زحمت غالب مردم میشود دیگر هیچکس هم پیدا نمیشود که شهادت بدهد و نتیجتاً هم نخواهد داشت.

رئیس - آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - بنده هم مخالفم.

رئیس - میل دارید حرف بزنید بفرمائید.

احتشام زاده - بنده هم در این لایحه دوسه نظر داشتم

هر چند بنظر بنده قسمت احضار شهود را آقایان محترم تذکر داده بنده ژاندر میدادم تکرار کنم ولی مطالب دیگری را که آقایان فرمودند عرض میکنم: در ماده چهاردهم اشکالات جدیدی در مورد تصدیق انحصار وراثت ایجاد شده است که بعقیده بنده هیچ ضرورت ندارد و حتی الامکان باید سعی کرد که موجبات راحتی و تسهیل کار را فراهم کرد مگر اینکه ضرورتی مقضی باشد که يك کاری با يك تشریفات دیگری انجام شود و الا معنی ندارد. در قانون سابق انحصار وراثت مورد مطالبه سند تصدیق انحصار وراثت دو چیز بود یکی وقتی کسی مالی پیش کسی داشت و وارث با وراثت بخواهند بعد از فوت او این وجه را بگیرند اگر چنانچه امینی که وجه پیش او موجود است برای رفع مسئولیت از خودش تصدیقی خواست در آن موقع باید تصدیق انحصار وراثت او را بدهند یکی هم در مورد

تبدیل ثبت ملک باین معنی که اگر کسی ملکی را بنام خود ثبت کند و بعد فوت کند ورثه او اگر بخواهند ملک را بنام خودشان ثبت بکنند باید ورثه تصدیق انحصار وراثت را ببرند بداره ثبت تا اداره ثبت ملک را بنام ورثه ثبت کند و سند مالکیت بنام ورثه بدهد، حالا در این لایحه اصلاحی آمده اند و مورد دیگری را هم اضافه کرده اند یعنی اگر يك عده وراثت هستند و ملك موروثی شان را می خواهند به ثبت بدهند برای دادن اظهار نامه هم باید تصدیق انحصار وراثت بیاورند بنده گمان میکنم این يك زحمت بی فایده و بی اثری برای مردم ایجاد کند خصوصاً اگر ثبت که يك کار مشکلی است به قید بنده و باید حق المقدر کاری کرد که زحمت و تشریفاتی که دارد کم کرد تا مردم رغبت کنند که املاک شان را به ثبت برسانند حالا ما بیائیم این را هم اضافه کنیم و مشکل تر میشود برای تقاضای ثبت يك ملك هم که سابق بوسیله استشهاد میرفتند و تقاضا میکردند البته اگر کسی هم معترض بود میرفت به محکمه اعتراض می کرد و حقی از کسی تضییع نمی شد بنابراین بنده این قسمت را که اینجا اضافه کرده اند که در مورد تقاضای ثبت هم محتاج به تصدیق انحصار وراثت دانسته اند لازم نمی دانم مطلب دیگر بنده این است که در همین ماده قانون اضافه کرده اند که اشخاصی که در اداره ثبت کار دارند و می خواهند تصدیق انحصار وراثت بگیرند باید لزوم تصدیق انحصار وراثت را اداره ثبت تصدیق بکند تا مستدعی تصدیق انحصار وراثت ببرد به محکمه صالحه و مراجعه کند و تصدیق بگیرد این تقریفات را هم بنده زائد میدانم مراجعه مردم بدارای دولت يك زحمتی است برای مردم و ما بیائیم و يك زحمت دیگری را هم ایجاد کنیم بدون اینکه هیچ نتیجه داشته باشد بیهوده است. قانون انحصار وراثت در عمل برای مردم اسباب زحمت شده است و ما باید سعی کنیم که وجبات تسهیل را فراهم بکنیم و الا می اضافه کردن بر تشریفات و مشکلات کار بیهوده بنده هیچ مناسب نیست و ضرورتی هم ندارد

وزیر عدلیه - در قسمت اول که مسئله احضار شهود بود به محکمه خاطر يك عده از آقایان هم توجه شده است که این تولید يك زحمتی میکند ولی بنده نمی دانم این را هم توجه فرموده اند که مقصود از شهادت چه چیز است شهادت برای يك امری در پیش محکمه مقصود این است که محکمه بداند که این حرف مشهود به همان آدمی است که این را نوشته یا نه چرا استشهاد را در قوانین اعتبار ندادیم برای اینکه این استشهاد نامه ها يك امضای است که غالباً هم لایق است با يك مهری دارد که سابقاً می گفتند مهر درج مسجد شام به می دانند این هویت دارد یا نه. آیا کافی است که محکمه بيك ورقه اکتفا بکند و این اظهاری را که يك نفر آمده است و میگوید من منحصر وراثت فلانی هستم این را قبول کند و اعلان کند به همین صورت این خوب است البته تصور میکنم این چیز خوبی باشد که البته باید محکمه شهود را احضار کند تا بداند که این قول مشهود به این آدم جنت یا نه البته اگر خط و مهری در نزد محکمه معروف باشد یا بوسیله اشخاص دیگری معروف شد پیش محکمه که لزومی ندارد احضار شاهد و البته بهمان اعتماد اکتفا می کنند و احضار نمیکند ولی اگر نتد و يك موردی پیش آمد که نشناختن بکورتق استشهاد محمول با مجهول الهویه را آوردند آیا می فرمایید بنده شود که محکمه حق نداشته باشد احضار شهود را با حق داشته باشد مورد این عبارت هم پیش از این نیست که حق دارد محکمه عندالاقضاء یعنی وقتی لزوم اقتضاء کند و الا محکمه نمی خواهد که هر روز اسباب زحمت مردم بشود و برای همین بود که این عبارت اضافه شد که محاکم اکتفا نکنند بعرف يك استشهاد که اعلان بکند این قسمت منظور بود و بیشتر از این هم گمان می کنم توضیح در اطرافش لزومی نداشته باشد و اما قسمت ماده ۱۴ که آقای احتشام زاده بیان کردند این را من میدانم چطور تصور فرمودند يك وقت کسی اظهار نامه میدهد بداره ثبت بعنوان اینکه متصرف هستم و چه چه تصدیق انحصار وراثت لازم نیست از او هم کسی مطالبه نمی کند مثلاً کسی مرده است ولیکش

هم در دست وراثت است اولادش است می آیند و تقاضای ثبت می کنند با ستناد تصرف و کسی دیگر از آنها مطالبه نمی کنند و محتاج نیستند ولی اگر خودشان نوشتند در اظهار نامه شان که این ملك پدر ما است و بایستی باین نحو تقسیم شود بین ما چون ممکن است وراثت دیگری باشد و این ها نخواسته اند اسم او را ببرند و خودشان هم اظهار کرده اند که ملك مورث ما بوده است در اظهار نامه اگر اینطور شد آوقت محتاج هستند بگرفتن تصدیق انحصار وراثت و زحمتی است که بنا بظاهر خودشان خودشان برای خودشان تولید کرده اند اما اینکه از اداره ثبت تصدیق بگیرند این برای يك مطلب است و آن این است که جنبه ارفاقی که لایحه داشت در همین جا بوده و آن این است که قیبهی که برای اعلانات محاکم صالحه میدهند از برای اعلان انحصار وراثت زیاد تر می شود مطابق معمول آنچه را که اداره ثبت میدهد چون اعلاناتش زیاد است قیمتش کمتر است سطر می شاهی يك عباسی یا سجد دیشار يك همچو چیزی است این از نقطه نظر ارفاق آنها است که بوسیله اعلانات ثبت اعلان شود و از این جهت محتاج است بگرفتن تصدیق از اداره ثبت زیرا که اگر غیر از این باشد اداره ثبت نمی تواند قبول کند هر اظهاری را از هر کس که بيك محکمه گفت من میخواهم تصدیق انحصار وراثت از برای املاکم بگیرم و بفرستد به اداره ثبت اسناد اعلان بکند این است که آنچه را که مربوط است بداره ثبت و راجع بعمل خودش باشد

اعلاناتش را هم مثل سایر اعلانات روی هم بدهد و کمتر پول بدهند باین وسیله وقتی که ما حساب کردیم تقریباً خرجی که از برای مستدعی تصدیق انحصار وراثت پیدا می شود تاك آن مخارج معمولی است و خیلی تسهیل شده است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - پیشنهادی رسیده است فرائض میشود:
پیشنهاد آقای ریحانی:

مقام منبع و رفیع ریاست محترم مجلس شورای ملی دامت شوکته:
اصلاح ماده ۱۳ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:
ماده ۱۳ - این صالح یا حاکم بدایقی که وظیفه صالحیه را انجام میدهد در صورتیکه هویت شهودی که مستدعی یا مستدعیان تصدیق انحصار وراثت برای اثبات ادعای خود بشهادت آنها استناد می نمایند در نظر محکمه مورد تردید واقع شود و یا شهادت آنها بهم باشد میتواند آنها را احضار کرده و شهادت آنها را استماع نماید
رئیس - آقایانی که با ورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (ا کثرت قیام نمودند) تصویب شد
(۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)
رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده پنج شنبه اول آذر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور ابواب وزارت عدلیه (مجلس است دقیقه قبل از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر